



که بین بچه‌های رزمنده تشکیل می‌شد، از خاطرات حضورش در کردستان عراق سخن می‌گفت. قرارگاه رمضان کارش عملیات برون‌مرزی بود. پیش می‌آمد که رزمندگان این قرارگاه وقتی به عمق خاک دشمن در منطقه کردستان عراق یا نقاط دیگری می‌رفتند، ماه‌ها همان‌جا می‌ماندند و زمینه انجام یک عملیات برون‌مرزی بسا ارتباط‌گذاشتن با افراد مخالف حکومت بعث عراق را مهیا می‌کردند. شهید نصیر باغبان هم از این قاعده مستثنا نبود. خاطرات ایشان از کردستان بسیار جالب بود. بعدها همین قرارگاه رمضان یکی از بخش‌های تشکیل دهنده نیروی قدس سپاه شد. پادام است یکبار تعریف می‌کرد برای عملیاتی به شمال عراق ورود کرده بودند. منطقه کوهستانی بود و با بارش برف، راه‌ها بسته شده بود؛ بنابراین شهید نصیر باغبان و هم‌رزانش مجبور شده بودند در همان مفری که داشتند بمانند. ایشان تعریف می‌کرد: آذوقه همراه ما کمی بود. برف گوجهرنگی و روغن بود. هر بار مجبور می‌شدیم با همین سه قلم خوراکی که داشتیم یک چور غذا درست کنیم و تنوعی بدبیم. مثلاً یکبار رب را قاطبی برنج می‌کردیم. بار دیگر برنج خاالی می‌خوردیم. بار بعدی میزان رب و روغن را دست‌کاری می‌کردیم تا بلکه تنوعی به غذا داده باشیم. آن‌طور که حاج رضا می‌گفت، آنها در هر مأموریت برون‌مرزی که از طرف قرارگاه رمضان می‌رفتند، یک ماه، دو ماه یا حتی گاهی پنج، شش‌ماه در خاک دشمن می‌ماندند.

شهید حاج محمدرضا نصیر باغبان آدم گمنامی بود. بیشتر از داخل کشور، در جبهه مقاومت شناخته می‌شد. کمتر میدانی را می‌توانستی ببایی که شهید نصیرباغبان، من این‌روز آورده نکرده باشد.»

شهید رضا درودیان

شهید رضا درودیان وقتی می‌خواست برود جبهه، چون سن کم و چنه کوچکی داشت، یک کش بلند پوشید در موقع ثبت‌نام و در موقع اعزام هم مدام در قطار قايم می‌شد تا نینبندش و بتواند به جبهه برسد.

از ۱۴ سالگی به همراه برادرش که ۱۶ ساله بود، در جبهه مجاهدت کرد. این قدر صمیمی بودند که شب‌ها دست‌های یکدیگر را می‌گرفتند و می‌خوابیدند. برادرش علی درودیان، شهید می‌شود و هنوز هم پیکرش کشف نشده. آقا رضا هم شدیداً مجروح می‌شود و جزو شهدا گذاشته بودند که بعد می‌بینند ناپلونی که کاور شده بوده، بخار کرده و بساز می‌کنند و می‌آورندش. از آن موقع تا موقع شهادت، مدام می‌گفت: من لیاقت نداشتم؛ چطور علی رفته و من ماندم. دو ماه قبل از شهادتش هم می‌گفت: دعا کنید من هم بروم پیش علی.

یکی از خاطراتش این بود که زمانی که در تنگه اوqrرب در محاصره دشمن قرار داشتند، یک مجروحی بوده که روی کول می‌اندازد و می‌دود و می‌رساند بیمارستان دیگر نمی‌بیندش. سال‌ها طولانی بعد، در نماز حسن همدیگر را می‌گفتند تا تورش آقا خیلی تشکر می‌کند و می‌گوید: تون جان من را نجات دادی.

آقا رضا جانبا ز جنگ تحمیلی بود و در ایوم مدام تصاویر دوستان شهیدش را نگاه می‌کرد و می‌گفت آنها رفتند و من ماندم.

هر پنجشنبه به بهشت‌زها می‌رفت سر مزار

دوستانش که با هم در جبهه بودند.

رضادرودیان از شهدای سازمان بسیج مستضعفین

است که در ۲ تیر ۱۴۰۴ عنده ربهم برزقون گردید.

شهید سید اسدالله طاهری در سن نوجوانی به جبهه رفت و در دفاع مقدس حضور داشت. در یک عملیات سنگرشان را می‌زنند و همه همسنگرهاش شهید می‌شوند اما وی زاری شناسایی بیرون رفته بود که فکر می‌کنند شهید شده و خانواده‌اش برایش مصیبتی و آمریکا به دنبال او می‌گشتند تا تورش شهید شهید علی را ازین شاگردان بود. کسی که نامش لره به اندام صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها می‌انداخت. هر شهیدی در پی خود، یک شهید می‌سازد. شهیدان یزدانی، سماواتی و مستعدی افرادی چون حاج حسن محقق را تربیت کردند.»

شهید محمدرضا نصیر باغبان نماینده فرمانده کل قوا در اداره اطلاعات سپاه و همچنین معاون اطلاعات نیروی قدس سپاه پاسداران بود.
گزیده‌ای از خاطرات دفاع مقدسی حاج غلامعلی سخاوتی‌راد از همشهری‌ها و هم‌زمان قدیمی شهید را مرور می‌کنیم:
«زمان جنگ یادم است که ایشان هر گاه به دزفول می‌آمد، در مسجد نجفیه یا جمع دیگری

حماسهٔ پرافتخار و غرورآفرین و پیروزمندانهٔ ۸ سال دفاع مقدس، پشتوانه پیروزی در جنگ ۱۲روزه با رژیم غاصب و تروریست و کودک‌کش صهیونیستی بود. از یک‌سو از تجربیات و دستاوردهای دفاع مقدس در جنگ ۱۲روزه استفاده شد به‌ویژه از توانمندی‌های بی‌نظیر موشکی که شکل‌گیری و تثبیت و رشد شستابان آن در دوران مقدس آغاز گردید و تداوم یافت؛ از سوی دیگر بسیاری از فرماندهان و رزمندگان و شهدای جنگ ۱۲روزه از نقش‌آفرینان دفاع مقدس و یا از نسل جدید انقلاب اسلامی بودند که رشد یافته در فضای فرهنگ حسینی و عاشورایی دفاع مقدس و از ادامه‌دهندگان راه شهدای دفاع مقدس محسوب می‌شدند.
در این گزارش، به مناسبت فرارسیدن هفته دفاع مقدس، یادی می‌کنیم از برخی شهدای جنگ ۱۲روزه که سوابق دفاع مقدسی درخشانی داشته‌اند و در جنگ تحمیلی مجاهدت و حماسه‌آفرینی خلق کرده‌اند.

ظهر روز ۲۸ آبان‌ماه ۵۹ مصادف با عاشورای

۱۴۰۱ هجری قمری، محمد یزدانی جین ابرسانی به رزمندگان، توسط گلوله مستقیم توب دشمن

به شهادت رسید و پیکرش پاکش ارابل‌یا شد. هم‌رزانش تکه‌های پیکرش را بر روی یک برانکار جمع کردند و در کنار پیکر شهید، نماز ظهر عاشورا را به جماعت خواندیم. شهادت محمد یزدانی و چند نفر دیگر از بچه‌های محله چهارراه لشکر، آن‌قدر روی حسن محقق که آن موقع نوجوانی دبیرستانی بود، اثر گذاشت که باعث شد دی‌ماه ۱۳۵۹، او و تعداد دیگری از بچه‌های محله‌شان به جبهه آبادان بیایند. آنها برای رسیدن به این شهر محاصره‌شده، باید به ماه‌شهر می‌رفتند و بعد سوار قایق می‌شدند و از طریق بهمن‌شیر خودشان را به چوئیده می‌رساندند

و از آنجا با ماشین به آبادان می‌رفتند.

وقتی که این گروه به آبادان رسیدند، سپاه و ارتش در پذیرش‌شان امتناع کردند؛ اما گروه فدائیان اسلام که متشکل از رزمندگانی با سلیقه‌های مختلف بود، آنها را پذیرفت و در یکی از واحدهایش جا داد. شهید سید مجتبی هاشمی فرمانده فدائیان اسلام معتقد بود هر کسی را که دغغنه دفاع از کشور دارد، باید جنب

کرد و در جبهه‌ها از وجود و توانایی‌اش بهره برد.

از یاران شهید حسن طهرانی‌مقدم پدر موشکی ایران بوده‌است و از پیشگامان و بنیانگذاران صنعت موشکی جمهوری اسلامی ایران به‌می‌آید.

پس از موشک‌باران‌های گسترده بعثی‌ها در جنگ تحمیلی، جمهوری اسلامی نیز تصمیم گرفت تا به عرصه موشکی ورود پیدا کند. بر همین اساس، ۱۳ نفر از یگان توپخانه سپاه به فرماندهی شهید حسن طهرانی‌مقدم در سال ۱۳۶۳ برای گذراندن آموزش‌های لازم عازم کشور سوریه شدند. کلاس‌ها و دوره‌های مختلفی گذرانده شد که فرماندهی سکو، مونتاژ و بارگیری موشک، تزریق سوخت، استقرار موشک و نصب کلاهک، نصب سرچنگی، گروه هوشناسی، گروه تست و… از جمله آنها بود.

دوره سه ماهه آموزش موشکی به پایان رسید و افسران موشکی جمهوری اسلامی ایران در دی‌ماه ۱۳۶۳ راهی تهران شدند. قرار بود تیم ۱۳نفره موشکی از تهران به کرمانشاه منتقل شوند تا در پادگان شهید منتظری، فاز عملیاتی «تیپ موشکی حدید» را بنا گذارند. این تیپ را شهید امیرعلی حاجی‌زاده از یگان توپخانه سپاه در پادگان شهید منتظری راهاندازی کرد تا وقتی شهید حسن طهرانی‌مقدم و تیمش به ایران بازمی‌گردند، سازوکار و بسترهای لازم برای آغاز

شهید سید اسدالله طاهری

فعالیت اولین تیم موشکی سپاه فراهم باشد. از این زمان به بعد، ایران و یگان موشکی در سطح بالاتری از آمادگی برای رویارویی با موشک‌باران‌ها قرار گرفت. شهید حاجی‌زاده برای راهاندازی تیپ موشکی حدید با مشکلات زیادی هم روبه‌رو شد. در کتاب «مرد ابدی» که روایتی مستند از زندگی پدر موشکی ایران، شهید والا مقام سردار حسن طهرانی‌مقدم است، می‌خوانیم:

«فکر و ذکر امیرعلی حاجی‌زاده، مسئول نیروی انسانی توپخانه، حل این مشکلات، (از جمله مشکل کمبود نیرو) بود. یک روز، حاجی‌زاده رفت پیش فرماندهش (حسن طهرانی‌مقدم؛ حسن) نیروهایی که می‌آن اینجا، نمی‌توانیم قانع‌شون کنیم. نمون. باید بریم از مبدأ برای توپخونه نیرو بگیریم.

«برو ببین چی کار می‌تونی کنی. حاجی‌زاده به تهران رفت. سفارت سابق آمریکا که به لانهٔ جاسوسی مشهور بود، محل اجتماع و اعزام نیروهای بسیجی لشکر ۲۷ بود. حاجی‌زاده از اهمیت توپخانه در جنگ حرف زد و نیروها را برای پیوستن به توپخانه تشویق کرد. در آخر صحبت‌هایش گفت: حالا کسانی که مایلن توی توپخونه خدمت کنن، بیان این‌ور. همه آمدند!

برخلاف او، مسئول اعزام نیرو خوشحال نشد و داشت در آمدند: برادر حاجی‌زاده! ما این نیروها رو داشتیم به لشکر ۲۷ می‌فرستادیم! شما که همه رو گرفتین! حاجی‌زاده دوباره پشت میکروفون رفت و طوری صحبت کرد که تعدادی از رزمندگان برگشتند سر جای‌شان!

این تدابیر تا حدی کارساز بود و نیروها با کمی

شناخت به توپخانه می‌پیوستند؛ اما باز هم سختی کار توپخانه خیلی‌ها را فراری می‌داد. در عوض، کسانی که می‌ماندند لذت‌سته محیط توپخانه می‌شدند. جاذبه اصلی توپخانه، شخصیت فرماندهانش بود که خیلی از توپچی‌ها را در کنارشان نگه می‌داشت.»

سردار حاجی‌زاده، پس از جنگ تحمیلی به عنوان فرماندهی نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برگزیده شد و با تجربیات دفاع مقدسی‌اش، پیشرنده‌های شگفت‌انگیز و جهشی در صنعت موشکی ایجاد کرد و ایران را به قطب موشکی منطقه و جهان تبدیل کرد. دشمنان جمهوری اسلامی ایران از آمریکا و اسرائیل گرفته تا انداختن، همگی طعم سیلی‌های دردناک موشکی هوافضای سپاه به پرچمداری شهید حاجی‌زاده را چشیدند و در جنگ ۱۲روزه نیز میراث درخشان شهید حاجی‌زاده و خسارات گستردهٔ موشکی ایران در سرزمین‌های اشغالی، یکی از مهم‌ترین دلایل شکست و زبونی اسرائیل و آمریکا به پشتیبانان‌شان بود.

شهید حسن محقق
سردار قاسم صادقی از قدیمی‌ترین هم‌رزمان شهید حاج حسن محقق جانشین سازمان اطلاعات سپاه، خاطرات جالبی از تاثیر سه شهید دفاع مقدس در زندگی جهادی حاج حسن محقق دارد. بخش‌هایی و به مرور با همت فرماندهان این عرصه، تیپ رزمی و سپس لشکر انصارالحسین(ع) شکل گرفت. در میانه عملیات کربلای۵ که بنده هم افتخار حضور داشتم، فرماندهی لشکر انصارالحسین(ع) به سردار محول شد و ایشان به طور کامل توانست تحرک چشمگیری ایجاد کند به شمال‌غرب کشور در عملیات نصر۳ و ماموت شرکت کرد و این هنر فرماندهی ایشان را آشکار می‌سازد.

شهید علی شادمانی بعد از پایان دوران دفاع

مقدس در جایگاه‌های حساس و مهمی همچون معاونت عملیات نیروی زمینی سپاه، معاونت عملیات ستادکل نیروهای مسلح، معاون هماهنگ‌کننده قرارگاه خاتمالانبیا و در نهایت فرماندهی قرارگاه مرکزی خاتمالانبیا خدمات عظیم انجام داد و با سربلندی رهای شهادت بر تن کرد.

شهید امیرعلی حاجی‌زاده
شهید امیرعلی حاجی‌زاده از همان عنوان جوانی

جوان‌رود اعزام شده بودند. در ارتفاعات شاخ‌شمیران و محدوده سد دربندی‌خان کهه در آن زمان تحت کنترل عراق بود، با فرماندهی ایشان، عملیات موفقی انجام شد. شهید صوفی نیز در طراحی آن عملیات نقش داشتند. این عملیات از نظر تاکتیکی بسیار حائز اهمیت بود و با موفقیت به پایان رسید.

به گفتهٔ علی آقامحمدی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام: شهید شادمانی از همان ابتدای تأسیس سپاه، همراه دوستانش از جمله شهید همدانی، در تمام جبهه‌ها حضور فعال داشت و در همه جنگ‌ها شرکت کرد.

حمیدرضا حاجی بابایی نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی با یادآوری خاطرات خود از شهید شادمانی می‌گوید: شهرپور ۵۹، وقتی قصرشیرین سقوط کرده بود و دشمن تا نزدیکی سرپل‌ذهاب آمده بود، شادمانی فقط نیرو نمی‌فرستاد؛ خودش می‌ماند، مثل پدری که بچه‌هایش را به کسی نمی‌سپارد. او می‌ماند تا مطمئن شود این جوان‌ها در دل میدان گم نمی‌شوند. او بیش از انقلاب در لشکر ۶۴ خدمت کرده بود و روحیه آموزش داشت. در همان شرایط سخت، در دل میدان، به ما آموزش می‌داد. از رودخانه الوند، از دهلیزهای طبیعی، از مسیرهایی که دشمن بر



شهید محمد باقری
شهید سردار سرلشکر محمد باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، برادر شهید حسن باقری است. این دو برادر از نوابغ نظامی دوران هستند.

غلامحسین افشردی معروف به حسن باقری، یکی از بزرگ‌ترین نوابغ نظامی ایران- و یکی از استراتژیست‌های برجسته نظامی دوران دفاع مقدس و بنیان‌گذار ساختار اطلاعات رزمی در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است.

شهید محمد باقری از سال ۱۳۵۹ وارد سپاه پاسداران شد و در طول جنگ تحمیلی در زمینهٔ اطلاعات و عملیات فعالیت کرد و با الهام از برادرش حسن، به طراحی و اجرای عملیات‌های پیچیده نظامی پرداخت.

سرلشکر باقری در دوران دفاع مقدس مسئولیت‌های مهمی را برعهده داشت. در مراحل اولیه جنگ به عنوان نیروی عملیاتی مشغول به فعالیت بود. سپس به مسئول اطلاعات لشکرهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب شد و سرانجام از سال ۱۳۶۲ تا پایان جنگ تحمیلی به عنوان مسئول اطلاعات عملیات نیروی زمینی سپاه و قرارگاه‌ای کربلا و خاتمالانبیا مجاهدت کرد.

وی از چهره‌های کلیدی در طراحی و تحلیل نبره‌ها بود و در کنار برادر شهیدش حسن باقری، نقشه راه دفاع ایران را در برابر ارتش بعث بازتعریف کرد و بنیان‌گذار ساختار نوین در جنگ شد. سابقه جانبازی‌اش گواهی دیگر بر پیوند عمیقش با میدان نبرد است.

وی به عنوان یکی از برجسته‌ترین فرماندهان نظامی ایران، نقش مهمی در توسعهٔ فناوری‌های دفاعی و بازتعریف ساختارهای نظامی کشور داشت.

سردار محمد باقری با تکیه بر توانمندی‌های منحصربه‌فرد خود در عرصه‌های نظامی و استراتژیک، به عنوان یکی از اصلی‌ترین مغزهای متفکر نظامی ایران شناخته می‌شود و به عنوان رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ایران، توانست با تلفیق تجربه‌های گسترده خود طی چهار دهه گذشته با تاکتیک‌ها و استراتژی‌های مدرن نظامی، نقشی حیاتی در حفظ امنیت و تقویت جایگاه دفاعی کشور ایفا کند. وی به عنوان یک استراتژیست برجسته و دقیق شناخته می‌شود که رویکردی کاملاً نوآورانه در مواجهه با تهدیدات منطقه‌ای و جهانی اتخاذ کرده است.

شهید غلامعلی رشید
از شهید غلامعلی رشید با عنوانی چون «تایغه نظامی»، «طراح ارشد عملیاتی»، «نظرپیرزاد دفاعی» و «متفکری استراتژیست» یاد می‌شود.

سردار رشید پس از پیروزی انقلاب اسلامی و پیش از آغاز جنگ تحمیلی تلاش زیادی برای سازماندهی سپاه دزفول انجام داد و با آغاز جنگ تحمیلی با بسیج نیروها و با تشکیل ۱۲ جبهه عملیاتی در غرب کشور از ایلام تا خوزستان نقش کلیدی در توقف ماشین جنگی ارتش بعث عراق در ماه‌های ابتدایی جنگ داشت. پیشروی دشمن تا نزدیکی پل کرخه و قرار گرفتن شهرهای شمالی خوزستان از جمله دزفول، اندیشک و شوش در زیر توپخانه مستقیم دشمن باعث شد که طرح‌ریزی عملیاتی برای عقب راندن دشمن یعنی در دستورکار نیروهای مسلح قرار گرفت. با توجه به اشراف عملیاتی و اطلاعاتی سردار رشید به جبهه غرب کشور، وی به عنوان یکی از طراحان اصلی عملیات ظفرمندانه فتح‌المبین، نبوغ نظامی خود را نشان داد.

حسین علایی از فرماندهان عالی‌رتبهٔ سابق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دوستی ۴۴ ساله خود با سردار رشید را یادآور می‌شود و می‌گوید: رشید در اتاق فرماندهی عملیات، به راحتی وضیعت و آرایش و استعداد دشمن و خودی را ترسیم می‌کرد و دقت زیادی در نشان دادن واقعیت‌های میدانی و استراتژیک داشت. او از معدود فرماندهان باقی‌مانده از نسل فرماندهان ارشد دوره دفاع مقدس بود که مسئولیت مهم نظامی طی چند دهه اخیر به‌عهده داشته است.

به گفته فرماندهان نظامی وقت، قدرت تحلیلی، دید استراتژیک و شناخت جغرافیای سردار رشید را به یکی از مغزهای متفکر جبهه‌های جنگ تبدیل کرده بود.

وی از ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۸ معاون عملیات ستاد مشترک سپاه پاسداران، از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۸ معاونت اطلاعات و عملیات ستاد کل. از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۵ جانشین رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ایران را برعهده داشت. قسارگاه خاتمالانبیا وظیفه هماهنگی و هدایت تمامی عملیات‌های نظامی نیروهای مسلح را در شرایط بحرانی جنگ برعهده دارد.